

صاحب امتیاز و مدیر مسئول  
دکتر اسمعیل اردلان

روزهای دوشنبه منتشر میشود

# کوشش نامشروع

دوشنبه ۲۰ آبانماه ۱۳۲۵  
۴ ۱۶۹ شماره  
۱۱۱ نوامبر ۱۹۴۶

روزنامه اوج دستمزد و حقوقی بستگی ندارد

نوشته پیرشان

## شهرستان سمقز باید عملاً شهرستان باشد

### مردم انتظار اقدامات اصلاحی دارند تنها حرف کافی نیست

قریب دو ماه یاضری بیشتر است که طبق تصویب نامه دولت بخشهای سفر ربابه و نواح تشکیل بخش شهرستان داده است .  
بر سر شهرستان بودن یا نبودن این مسئله مدتها صحبت بود و در سالهای گذشته گاهی دولت تصویب میکرد که شهرستان باشد و گاهی آن را تصویب نغوه مدول نموده آترا میدادا بصورت بخش های جداگانه دو میآورد .  
فرای این تغییر رایها وضع غیر نایب هیجگاه این منطقه حساس دارای سازمان مرتبی نبوده و ادارات آن به صورت منظم و سبزه و بی آموش و تحت نظری مامورین کوچکتر گاهنامه اداره میشد .

دشوهرش سوانح و نواح روزمره تنباید اکنون مدتی است ظاهراً موضوع سفر ربابه کتله هدهد دولت تصمیم گرفت است آجیا او تحت سازمان یک شهرستان اداره نماید . این فکر اگر عملی شود یعنی اگر شهرستان بودن سفر از منطقه کافی تجاوز کند و عملاً شهرستان گسردد شاید خیلی در وجهه مردم موثر بوده و خیلی از اقدامات اساسی را میتوان شروع نمود .  
مردم شهرستان اسحق سفر دارای یک رتبه مجاز و یک مستخدم است . این دو نفر تشکیل بدهای این شهرستان را که در حدود دویست هزار نفر جمعیت دارد معرفی مینمایند . بیارستانی چند سال قبل بی دردی شده و یک قسمت از دیوارهای آن ساخته شده که نتوانند بدواز شیربورو آترام از ایمان برده اکنون پیش از لغو مصالح برینتو چند دیوار نیه خراب اثری از آن باقی نیست .  
فرهنگ آجیا با احتیاجات و تقاضای های مردم هیچ تناسب نیست که وقت غیر سفر در چند سال قبل دارای یک شهرستان بود حال پیش از کلاس ششم وینان تعداد آموزگاران و دبیرانش هر یک بیانی رفته و فرهنگ آجیا با زحمت زیاد بصورت یکدواز مریز اداره میشود دیستان های یاه دو سه مسلم پیش صارد دستنهایی دهات اغلب از میان رفته و مختل گردیده است .  
شهرداری بوشع اسف آردوی بول وی اعتبار جز نگهداری و نظارت یک نمایان شهرت نیست و اگر احیاناً چند نفره سفر است قادر بایجاد کاری نیست اگر بخواهد برین مصالح گران شهر وهران و هزاران کثافت وی ترتیب .  
نه شتابانه مینماید . به تازمه هیچگونه نمایان شهرت نیست و اگر احیاناً چند نفره سفر است قادر بایجاد کاری نیست اگر بخواهد برین مصالح گران شهر وهران و هزاران کثافت وی ترتیب .

## مسئول کیست؟

### سندج امروز و سندج چند سال پیش

شهر ویرانه گان برهون آردن میخوانند پیر طریق کل مسکن است در این شهر خاموشان جنبی برهون آردن و فرماندار خواب گرفته این سامان را تحت تأثیر دواده و آتیا راننده بدبختی ها و امواتر-گوشی پیدار نمایند .  
من از دور خیلی علاقه مند به بینم تاثیر این نطقه ها چیست و آتیا جنبه مجاهدت توانست تکانی باین مردم داده و آتیا راننده بدبختی ها و امواتر-خود بنسایه یانه .  
مستطلم از اینکه خود توانسته ام از چند سال قبل باین طرف به کردستان مسافرت کنم و آتیا در صورتی که خود میخواهم با توده مردم (اقتضای خودم) در خدمت بوده بستم زیرا میگویند این خردموندج هیچ شاد (تاسر) در این طرف در حالی آتیا و بنشیند و تقاضای های خیلی آتیا را در پیام وی ولی اگر مردم در خدمت ما مردم مانده ام کجایک و مقام مرا بر آن دادند که از هر سالار از هر دوست و آتیا که بکردستان رفت و بقیه در مسافه ۷

من هرمت در آن بریده فرسیده معالی رابع بگردستان میخوانم و از آتیا بیک خود از بکر (کردستان) مستنج) و تا از آتیا برای برپوشه مردم آتیا آشنا هست و معالی که بیشتر انحصار باین قسمت دارد بیشتر دقیق میشود و با یک دنیا علاقه میخوانم در لایه های جلات نوشته های اروپا باین قسمت بلکه آتیا کفایتی که قدری مرا به آتیا این شهر مستطلم آرام امیدوار میباشم .  
آتیا من از مراجعات آن خردمندی فریفته در یانه ام این است که در هر روز

بی بردن باین شرایط بوده که دولت تصویب نامه شهرستان چند سفر ربابه را گرفتارنده است و بیخواهد با اجرای آن در اوضاع عمومی آن منطقه نتوانی برهون آردن .  
شهری میشود که دولت بنشیندور نامین اعتباری برای هزینه های فرهنگی بهداشتی و آموزش حواشی وضع کرده و مصمم هم شده است علاوه بر این حواشی که از طرف مردم برداشت خواهد شد خود دولت هم کفایتی بنسایه اگر واقعا این امر مست داشته باشد باید بلافاصله تشکیلات صحیح و معنی یا بودگی کافی برای کلیه سازمان های اداری آن در نظر گرفته شود .  
وضعیت فرامانداری  
فرماندار سفر ربابه در چند روزت سین که بوشع بلا تکلیفی این شهرستان بجهت تأسیس خانه داده خود .  
فرماندار سفر ربابه از بین اخصاس که به اوضاع عمومی آن منطقه کاملاً آشنا و برپوشه مردم و واقف و پزیرنده های عمومی است باید وزارت بهداشتی برای اصلاح چند نفر بزرگه در نظر گرفته سال آتی به سازمان یک بیارستان کامل را پیش بینی نماید .  
اگر در بعضی شهرستانها بزرگه و وسایل بهداشتی نباشد ایلا وسیله مناسب و جدیده بنسایه شش که مردم با استفاده از آن پس از این ساتی خود را به بزرگه برسانند ولی این منطقه که چند ماه از سال در حالت مسدود بودن

و از ارتباط با سایر نقاط کشور مردم و اما اگر وسایلی برای مطالعه در مسول داشته باشد باید در این فنول بیارستان باستفان مرگ بنشیند .  
فرهنگ  
اقدامات فرهنگی بیه خود نوق الزامه ضروری است اگر قدری گذشت زمان را دقیق تر زاده مسائل از اقدام در توسعه فرهنگ این شهرستان خودداری کرد بلکه با کمک باید کوشش با استفاده از اخصاس ملاحظه است معالی کادر فرهنگ آتیا را تکمیل و با تقویت آن عالی به کمک چه در خبر و چه در قضیات و فرهنگ مدارس ربابه کرده تکانی به دست داده .  
التهود ادارات آجیا باید مطالعه کافی شده و فعالیتات سازمانها ستانی برای خدمت اداره صنعت کتلف و مودی را اگر در و اس ادارات هنوز وجود داشته باشد باید از این منطقه اخراج شود .  
کدام کاری معا و سله بازاری آتیا خانه دواتا از اقدام مدس آتیا بنسایه باشد .  
امیدوارم بادر نظر گرفتن اوضاع خراب و دستار منطقه سفر ربابه پیش از این اقدامات اصلاحی بنویسند و فعالیتات دولت ثابت نماید که باین منطقه توجه خاصی داشته و شهرستان شدن آن لفظ اساسی نیست .

مردم ضمن وضع سیاسی این منطقه و اشکال حل آن بصورتی قطعی باعث گردیده بود که توجه بیشتر به تبیین و روشنفکری آری آن از لحاظ یک اصل یکی مستوف میگردد به ودر جوانان که آجیم بنویسند خودمتر و یکی است نوجبی بدون نتیجه ملا هیجگاه بدیت نباشد مامورینی برای این منطقه فرستاده میشود از اخصاس برگرهدهو متاسب باشد مقل تدبیر همسایه از بدین هیچ گونه نفع در تاسات باین منطقه مبراستاد که گاهی خیلی بدبخت چند نفر از آتیا خوب از آب در میماند  
این مردم توجه به ادارات آتیا یک محیط خود مختاری و لجام کسبکنی که وجود آردن بود که هر رئیس اداری خود را زمان مایشاه و از باب و آتیا بالا مردم میبندست و جلاویز مصلفنه مراحتت های فراهم میساخته مال دولت خودره برده میشد مال و حیثیت مردم هم پایمال میگردد .  
سوابق دردی های غف و نان سفر ارقام کلان زدنی تند و لغات - جنایت های داده که - جمیع شهر بانی هر کدام نوبه خود استانیهای عجیب و غریب دارد که غلظ از آن جنبی نیستیم .  
مردم و دهان دواغی اسحق سفر و از ماضرت با یکدیگر بجزار و متاسب میباشد .  
در چنین منطقه و در چنین شهرت گانگی متفکلی است از مردم که باید ناراضی باشد ایلا دولت مجبور است توجه که - امیدوارم در نتیجه

خیر، قطعا چنگ آینه از لفظین شروع نخواهد شد

اکنون که با صفت تاریخی و سیاسی کشور لفظین بی برده ام بهتر است در افکار به نظر به تئوری برده فروخته لفظین را بر که سنگی کاسل یا سیاسی میسایر جهان آینه دارد روشن سازیم.

فرمایش سیاسی که سکنه لفظین را بی‌ظن و بی‌گناه تسبیح نموده، با حصول تاریخی اختلاف در قوم یهود و عرب باعث گرایش دول انگلوسا کون، فرس خنوع از غرض هر حقیقه و شهادت سیاسی کرده «چنگ آینه» کتاسی بوده که مارتنه های پیش ثابت کردیم که دو عین اینکه موجب شکستی است دنیا را بسوی خنوع میکشاند، آزاده و دموکراسی را تهدید مینماید، صلح را واگردان میکند. اینک بنای مصلی که آینه لفظین را با نام مضامین متظاهر میساید آخرین برده این ترازوی را میسب خواهیم بود.

تاریخ بارز، لفظین و عرب این سکنه را بر ما مسلم کرده که این اختلافات حیثیات پند آید و سیاسی راداشته است که دول یکپاره با انقیاد از آن در انقضای اراضی سیاسی مینموده است و راداشته که دول انگلوسا میساید امور سیاسی جهان را میل خویش و باطل-خواهیش را میساید مدام این مرتبه چنانچه نظر یکپاره از نظر یکپاره میساید و بیست و سه عهده فعالیت دور انگیز ترده سیاسی و جنبشهای امرای خود بر ابراراده آید این مرتبه سوه انگلوسا با تئوری خود که از فلسفی و سیاسی بر این نظر شکایت میکرد، که هر قومی را کانی «آینه

سایگان ولت» و گفته میساید سبب است انگلیس در جلسه مجلس عوام انگلستان:

دولت انگلستان تصمیم گرفته که بعد از این بود راه لفظین آزاده که بین تصمیم گرفته که بافتاری نمایندگان هر دو طرف آزاده کردن نمیدهد آن هر دو در وضع الجزایر شیل موقوفت کنند.

دولت انگلستان اخیرا با نمایندگان موسسه بین المللی دربار خلیف ترک و بدون اوضاع لفظین و لزوم تحلیف با اوضاع انگلوسا گرازی انقضای مکرر آید اکنون خود را با چرخ میساید که با تصمیم حکومت لفظین در باره آزاده بودن یهودیها موقوفت کند و راداد دولت انگلستان اسرار است که بدینوسیله اوضاع لفظین از هر جهت یهودی باید... افکار نادره در این زمینه بوجود میآورد دول-صل قضای لفظین و با مسعودی پایان نراب برده و عرب و بیرونی که منافع آنها هم متصل و بیرونه است و خودشان لیبینه، نظام افق بازوردن در ضمن محذوری لفظین سیاسی نوینی است. ولی سکنه قاسل-سبب اینست که باز نیس موسسه یهود در تاریخ میگوید «بودیان آزادی و استقلال دیگر چون از نظر تاریخی حیثیات اوضاعی قادر پادامه زدن میساید بیسوی لفظین مهاجرت کنند و چون بین

تفسیر تحولات سیاسی

وینا و ایران در جنبه گذشته

تحولات سیاسی جهان انقلاب اکثر

ملفراطاد جامع هروری یستو لهسین سال انقلاب اکثرا جشن گرفت سال گذشته این جشن پس از یک پاره یهود و پس از شانه جنگی که در تاریخ نبرد ها نظیر در اجاب گرفت ولی اسام جشن تاریخی اکثر که در صیقله روسیه و جهان آغاز نمود در صیقله و آرامش بیشتری بر گزار میگردد. استقرار صلح در تمامی جهان و صلح تمام صلح در دولت و کویک از نکل است که گهواره اتحاد صاهیر شوروی و ساسه منصفی خود بران کتیبه بوده است و بدینوسیله است با اجراء دامن این روش اتحاد دوری هرگز مغلوب نشده و برای همیشه جاودان خواهد بود.

پس از سال ۱۴ سال و در وقت برهشت پس از ۱۴ سال و در وقت برهشت و خبری دلائل تاریخی و دولت حزب دموکرات در لفظین و صومالیه و سایر اتریت متعلق داشت در انتصاب انگریز سکت خود و روی با بلجیکها پس از ۱۴ سال سر انگیزی در هر صه سیاسی جهان بر کرده بدین.

گذشته امریکا - وروانگی که نشود و روزولت و لیدر حزب جمهور یواوروس جمهور امیر امریکای با کسین در مسافه خود با ترک شتی در سیاست داخلی و خارجی براف خود افتاد و در سر راه استقلال و آزادی آن ترز

گرفته برور از بین برده و جهان آزاده ثابت کند که لفظین مرکز قاطع است که نیروهای مغالط مدیح نیست و خواهد هدنگه بنده بی آزاری است که بدین دستمندان صلح مینماید هر هنگام برخیز خواهد بود.

در ایران ما چه میگردیم؟

موضوع انتخابات یکباره معور علیه و از گردن نود است. تهران این مخته سرشار از نظارن مله می بود البته این امر بیشتر از اوضاع سیاسی قابل توجه است تا از نظر اصولی مسائل دیگری نیز نظیر ضرورت اعلام آزادی نیست و در برابر به شروع انتصابات از تیر آزاده خود سوال سیاسی مهم هغه مصوب میگردد که جنبشایی تیره مناسبت انقلاب اکثر شده بود، که بر همان تهران در این مخته شاه و چون جریانات مهم و دوپهلو بود ولی چون پیش در تمامه انتصابات نواته شده است باید نظرم برده بود و یک آینه آسین به تحول و تهرانی است و انتصابات چگونه شروع و به نحو پایان مییابد.

در پیرامون وقایع گردستان

از وقایع مرشد این مخته دیگر شریف نند گویا آب غاموش بر روی این افشاگرانه ریخته شده است و دیگر از مرشد دولت و پانراخ هم معلوم شد معانه مخته که در بوده و از کدام مرشده آب میخورد.

ترومن استفا بدهد و یک هیسایلی که در ایجاب موجود است نیز به نظر حق خواهد شد که وزیر امور خارجه جای معاون رئیس جمهور - جانشین وی خواهد کرد به هر حال سکن است انتزاع میگرداند و شای نیایه و آنگاس بر و ترومن در میان دو نظف نیکبگال و چند مانه دیگر نیز قدرت سیاسی امریکا را در دست داده بافته ولی کلا مکتب است که با بتوضیح با افکار و روش گذشته دستکامصلی سیاسی امریکا کاری نیتواند از پیش ببرد و ممکن است این به سال نیز تا تجدید انتصابات رئیس جمهور که «دوبلر» فرماندار نیویورک نامزد این میساید جز چند بازی سیاسی عامل دیگری انصاف نگردد.

یکبار دیگر فرانسویهای آزاده برای مجلس ملی خود نماینده

انتخاب میکنند

انتخابات بیروز فرانسه در میساید هیاهو و دلچسپی پایان یافت فرانسویها بر حرکت در سر نوشت اجتماعی خویش ۶۰۰ نفر از افراد برتر سیاسی بودند و انتخاب و به مجلس میروان بودند به هزار نفر نماینده انتصاب بودند نتیجه این انتخابات و پس از آن رئیس جمهور شانه ماهیت سیاست ملی فرانسه و تاریخ آینه آن کشور میساید و تفر نتیجه این مازوس سیاسی مندمه فرانسه آزاده بنام متی خود را به جهان آزاده نشان داد با بیشتر در ایشود صحت خویش کرد

تلیت

مستی که از وقت یکگاه عصر مرحوم آقای آغایان به ابراهیم اصحابی پیشوای بزرگ مذهب سلفی به موسسین وارد آمده لقب سوم مرتضی و اصحابی و آنکه بقام شامع آن مرحوم وانف بود که درجه اول از مرده است.

دو گذشتت این مرد بزرگ اسلامی شاهه جبران نابدیری برای صومسلیین میساید. قنیر دعاگو این صمیمت و ارده را بومسلسلین تلیت عرض و ایجابوا شانه متعال صوم مسلمانان و بارزاد و سعادت فرموده به کرپورور گوازی خود هه را بنمایش فرماید.

از همدان

آقای باقرزاد جهان منویند تلگرافین که در شماره ۱۳۷۰ روزنامه کوهستان رابع به نمایندگی آقای فلاصین بود در جواب نامه بود و انصاف ایجاب بدین دل آرزیده جشن قرب نیکبگال است ایجاب در همدان ساکن همنم و از منضمون آن تلگراف افلاصی داشته ام بدین وسیله وجود انصاف خود را در ذیل آن تلگراف مکتوب مینمایم



# اسرار بارزان (۲)

هوروی فرزند کرد و چنین حلی طمانع دولت انگلیس را در غلور میانه به خطری اهداست .

برای جلوگیری از این پیش آمد بهترین سیاست دولت انگلیس این بود که سرکشی آزادپهلوانان کرد پیروم آورد و با آن دولت ترکیه را وادار کند به دستور اعلان جنگ بدهد .

۱- فکر و حساب درست بود در سه نظر ذیل هم تأمین میگردد

۱- دولت هوروی ترکیه حمله نکند .

۲- ترکیه وارد جنگ نهد

۳- ترکیه بتواند در کشوره ملحق شرکت نماید

این بود سیاستی که این اوضاع را در کردستان آرام نمود . برای اثبات امر هم کافی است که فرار شیخ لطف سر شیخ محمود برای پناه و محمود خان کاتبی سانی را برای مرزبانان در نامه کسی و درجین این جزئیات در نظر بگیریم . باروز هور وها کرده ماجد معضلی موجب شد که بین روشنفکران کرده اختلاطی بوجود آید و مگر آن چه بین سال بافکاری و عدت بر سه صلح عمل بود که نتواند مورد متلاشی گردد . آن معضبت سببب ودوستی بسببلی نامازگار و گسستی مبدل شد .

اما آنهایی که هیفته کار و چپکده بله روح ملی و زجر دیده ناهدالتی های اجتماعی و فدائی راه آزادی بودند نیز نتوانستند این نهال امیدوار که میراث باروز هور وها کرده بگلزاره یادهای غمناک مخالف و مشرکات موئی آنرا خشک نشود تا با پایمان ماهر و دلشور بنوبه خود برای زینت دادن باغ بارودش لطمش نماید .

روشنفکران کرد با ذبایهای ماهرانه ظاهرالصلاح مارا دریافته و دانسته که دست های فرش آلوره برای انجام شکر آبان آن میر که چندنیبارا نموده و دانسته اندام این رویه طوق بندگی و برویگی را در کردن آبان مسکوم تر خواهد نمود . رویهک بیان هم که کم باشایه خود وائف و دانسته که سلوما کابینه برای حفظ مصالح کردها میسر اند و دوره های ایران ارتباط هم قطع برای منظور های خاصی بوده حال که دیگر احتیاج مرتفع شده آن تسلط هم بریده شده و حتی ساموریت این امران هم خاتمه داده شد .

## فهرست قنداکار

حوب هیوا بخود آمده بود ، فعالیت میدید می رفت از نو آغاز بود . دو نفر از افراد برجسته حزب میراج احمد و معضلی خوش ناز که چندین مرتبه دست اور ارتباط مأموریت داشته و کاملاً بیرون کار وارد دست حزب را خوب خوانده بودند آنی آرام نداشت و اختلاط ایجاد شده در حزب آن آزارناخت ستاز ساخته بود پس از خاتمه مأموریت دو ساله وارد ارتش مرضی گرفته دیباغی فعالیت های خود را بطور تانی گرفته و از این فرصت برای مسافرت حالی استاده نموده و با روشنفکران حزب ۳ . ک . تاس گرفتند .

مقامات دولتی از هیبت این دو افسر سرنگان و نباشته بودند که آنها مسافرتی بکردستان آزاد نموده اند . این دو نفر بنوبه خود از سواد من مطلق و بانو و ناز گدانشه که میراج احمد به سر خدمت مراجعت کتک و معضلی خوش ناز در بارزان پناه تا اگر گرفتاری پیش آید هر دو دچار نشده باشند ستنا قرار بر این گذارده شد که میراج احمد جریان اوضاع و اقدامات دولت را نسبت به خود وادار مع وقت به بارزان اطلاع دهد .

این احتیاط ها و قرار ها بسیار جاداروست بود ولی حریف روزگتر و کارآزمودتر بود . میراج احمد مراجعت کرد ولی از طرف دولت انگلیس دولت عراق کوچکترین حلی که ساکی از سواد من به بارز او باشد مسؤن نشود و این سیاست حیطانی میراج خوش نام انداخت میراج کاضی به معضلی خوش ناز نوشت و او را به مراجعت پس خدمت دعوت نمود .

معضلی خوش ناز به بنهاد مراجعت کرد یکباره هر دو خدمت نمودند . یکدیگر هم در و را از ارتضی خارج کرده میراج احمد بلاصافه به بنهاد توفیق شده به صاره اوام گردید . در همان وقت از طرف وزارت جنگ دستور توفیق معضلی خوش ناز هم صادر گردید ولی اسرار حزب هیوا در بنهاد از این دستور اطلاع حاصل کرده بود که در آن موقع به موجب وقت و اطلاع داده شد . معضلی خوش ناز به موجب توافقت از راه هالیر - ساریلو گوی ستیان به بی تواتر تسلط افراس خود فرار کند در حالیکه مأمورین عراقی دو هم مبادور جیبجوی او بودند .

## صید ز دام جبهه و صیادی بی جهت تلاش میگرد

### عزت عبدالغفری

یکی دیگر از افسران از تابا ، بطوریکه در پیش هم نامبرده هفت مرتبه عبدالغفری بود .

مرد میان موقع که دو افسر نون افکار میراج احمد و معضلی خوش ناز بر سرخی رفت و چند به بنهاد مراجعت کردند . عزت عبدالغفری هم هومام مرضی گرفته به سوریه و مصر مسافرت کرده بود در مراجعت از این سفر از طرف وزارت جنگ عراق اهانام داده شد که متفراتله برای تاس یافتن با

جیبت غوی یون به سوریه وقت است لذا بعضی ورود چند تر از دوستان ارمنی تاب شیراده که نظر دولت با او موافق نیست از این جبهه او هم معسر هفتراوت شد .

عزت عبدالغفری از بندها اداره کرد کوه - اربیل و هشلوا . پس از اعلان بنیاد هیئت های سیاسی خود را به بارزان رسانید ، از آذربایجان های به معضلی خوش ناز بوقت ضمن اطلاع داد و در آن ورود خود به بارزان از او درخواست نمود که از بی تواتر به بارزان بیاید .

### پسوی بارزان

پس از ۱۵ روز توقف در بی تواتر ، معضلی خوش ناز با دیوات نامه عزت عبدالغفری عازم بارزان شد .

بیکر عبدالکحیم هم که یکی از افسران کرد و فراری و موافق در منطقه بارزان ایقامت گزیده بود به بارزان رفت چند تر دیگر بیو این عهه انفرودم شده و بهین ترتیب همدای او روشنفکران کرد در بارزان جیبش گرفته به ، اقدامات سیاسی و اساسی بلا فاصله آغاز گردید ، این پایه تیب و در آن تلاش های طقه و منتظر از هوروش بارزان اعلام گردید ، این پایه ها رسا سفارت انگلیس در بندها دولت عراق و حزب هیوا فرستاده شد .

طرز عمل و دستور پناه به دوست و دشمن نشان میداد که بارزان برای جو حرکاتی آزادپهلوانان چیزی نیسند و در خیال روش متنی که پیش گرفته شده بود هیچگونه تبلیغ حزب موثر واقع نشد .

وسول پناهیه حزب هیوا از جیبی بنشیند ، گوی بیرونی آسانی حزب خاموش هیوا را ننگان سختی داده جوش و همروش و فعالیت شده ای میداد آغاز گردید ، مرکز حزب در بندها روز ۱۹۰۵/۲/۱۹ جلسه عمومی تشکیل داده تصمیم اتخاذ شد که نامهای رسمی از طرف حزب به بارزان نوشته شود و پیوسته یکی از اصحاب بارزان فرستاده شود نامه نوشته شد و یکی از افسران حضور حزب و همده مسؤله امور حرکت به بارزان گردید متفراتله با درافعه چند روز مرضی از ارتش عازم مأموریت شد .

### هوش اول بارزان

#### هیئت آزادی

افسر مسند منصوب با نامه هوش حزب هیوا به بارزان رسید ، در این موقع ملحق شدگان به بارزان عبارت بودند از :

- ۱ - عزت عبدالغفری اهل صاده
- ۲ - معضلی خوش ناز اهل بی تواتر
- ۳ - عبدالصمد باقر اهل خالین از عشیرت ندر
- ۴ - محمد محمود اهل سلیبانه
- ۵ - احمد اسبیل اهل اربیل
- ۶ - شوک تسان اهل صاده
- ۷ - خلفا اسبیل اهل طره

کار جدا آغاز شده بود ، حرکات میبایست تحت بیگ سازمان مرتب انجام پذیرد و لازمی بود هر چه زودتر به نام رسمی حزب هیوا جوای رسمی داده شود لذا نامبرندگان فوق تعدادیست ملا معضلی بارزانی جمع شده «هیئت آزادی» را تشکیل دادند .

اولین جلسه هیئت آزادی هوروز ۱۹۰۵/۲/۱۹ تشکیل و پس از تنظیم برنامه ها و انتصاب اعضای هیئت حزب هیوا را در صورتی رسمی داده شد . مرکز موقت هیئت بارزانی مین گردهم اولین مرحله اقدام آزادی نمودن و خودمستاری کردستان عراق اعلام شد ، و معصومو این نسبت بطور روشن شرح معنی شد که : « هیئت آزادی به پیج سیاست خارج جانی ناپایداری و سنگی داشته باشد»

### برنامه هیئت آزادی

هیئت آزادی برنامه خود را در موادی چند بشرح ذیل تنظیم نمود

- ۱ - معتمد نمودن هشتر : در مورد اول هشتر حوالی بارزان و پس از آن سایر شهر کرد .
- ۲ - نیابت دادن کردستان عراق از طریق سیاسی و مسالت آمیز
- ۳ - ارتباط باقی با اسباب آزادپهلوان کرد .
- ۴ - تصمیم وادارست ما بنشیند کتک سیاسی دول خارجه
- ۵ - تبلیغ از طریق شریات
- ۶ - مبارزه با سیاست استعماری دولت عراق
- ۷ - تنظیم هیئت مسلح

### دستور محرمانه شماره ۱

هیئت آزادی ، پس از تعیین برنامه خود بشرحی که در فوق بدان اشاره شد ، اعرام قوا را به جبهه ها ضروری دانسته و بشطور اجرائی آن دستوراتی صادر نمود .

برای اینکه خاتمه گان ما با تبعیت حرکات بارزان و قدرت تشکیل و نظم و ترتیب آن آنگاه شوند بیل از شروع بیکر اقدامات سیاسی هیئت آزادی قسنتی از دستور محرمانه شماره ۱ مورخ ۱۹۰۵/۲/۱۹ را که از طرف فرماندهی کل قوا به فرماندهی جبهه میی شد . در موفقی که هتک از ارتش عراق میبایست به منطقه هیئت آزادی مقرر کند کل بنامین .

**به منظر محترم روزنامه مرد امروز**

نویسنده خارجی سی نود و نه مقاله خود آنچه میخواند نویسنده افغان به کرد نسبت بهقدر آنچه را درصاحب ما قبل تاریخ از نوعی و حتی در کتابها خوانده و برای انوعاش و بشری هم از هم تنگ است حساب کردها آورده و با عباراتی که مطابق فهم و شعور خودش بوده کرد را بناساند.

امروز هر کس چهره لب و وضویش داشته باشد بی می برد که در آن نوشته ها بوی از حلیت برده ای خود و ما نسبت بهکتیب روزنامه مرد امروز که بیست و نهم مرد را و بعد از آنست که دعوت مینماید چگونه بدون توجه آن مقاله مفرحان را که نصفا هر کرد خوانده و آثار رفتن آزرده میکند ترجمه و چاپ نموده است.

امروز احتیاج ما دولتک ما باعاد و مسیبت است هر نویسنده روزنامه نگاری در این راه هر که بتواند این خدمت کند و از هر گونه مطبوعی که بکورت و انسدردگی و نقره نه اجساد که پایه بریزد نماید.

امروز سیاست طرفت گمان در موضوع کرد باید در احوال این کشور دور برزد که تنها اگر ما کنایران را با آب و خاک خود و برادری و مودت دعوت کند بلکه دیگر اکراد جهان و نیز بشریت افغان وطن امروز بی نیاید و ثابت نماید که اگر روزی ایامی برای نجات آنان از چنگال مستحکان باید باشد از ایران چنینر نماید.

اگر روزنامه های مفرس و جیره خوارى نظیر این میگردند و با هم بگردند ما از آنها نه گه میگردانیم و نه آنها خود میگردانیم زیرا آنها با پاره ها و سوس خود را از دست نه متولی برافروزانده ای چون مرد امروز گه و گه در کورد است و اعجاز دادیم نه نوشته هاشم که در ایران جبران نماید بلکه در مسائل مربوط به کردستان رعایت احسانت پای اکراد و ای بود و برای خون پاک آنان ارزش و آتشی قائل شود.

**عزیمت به مهاباد**

آتای صدر ضامی نایب سابق مهاباد بگفته از راه رسیدن مهاباد حرکت نموده

**انتصابات دارائی مکرستان**

آتای محمد کئی که بریاست دارائی اقتصادی مکرستان منصوب شده بود که حلقه گشته به ستیج حرکت نموده

امیدواریم آتای کئی بجزانه بر خلاف مصلیات ذریع دارائی پیشین قدری در جلوگیری از جنود مصلیهای دارائی کوشش نماید از خود و مکرستان ما بکنی بیادگار بگذارد.

آتای مهاباد همزهی رئیس سابق دارائی صدر سفیر بازرسی دارائی و اقتصادی مکرستان منصوب و بصل مأموریت خود حرکت نموده

جا داد که بناسبت مقاله منصفی که در شماره گذشته روزنامه مرد امروز تحت عنوان کرد درها را بنشیند که انبساط است از مطبوعات فرانسه بود که مودستهای از مذهب محترم آن جریده شریع بنمایند.

خواندن آن مقاله هر که در کرمصبان و ملاحظه میباشند زیرا در آن مطالبی ذکر شده بود که از هر حیث زنده و بر خلاف وجدان و عقیدت بود.

ما از مذهب محترم روز نامه مرد امروز گله متدبیر که چرا باید حاضر شود مطالب زنده و روز از خطبتهای که بکنتر نویسنده گمان در یکی از مطبوعات خارجی نوشته ترجمه و نقل نمایند اگر به دو دست اول و آخر آن مقاله است توجیه نمیشد کلاما توسط میگشت که نویسنده اصلی تحت نامی هوامی که آنهم از یک نویسنده فرانسوی بسیار دور است مطالبی نوشته که قسمت آخرشان مقاله اظهارات دیگرش آرا تکذیب نموده است.

بدینا اعلام میگردد که ملت ایران نویسنده ناپخته گان خود را بیاطمینان حقیقت و تبلیغ میکند.

تخلایه سیاست مانع از این مقال نیست سال از تاریخ مشروطیته ایران به نظر بنویسند، سیاست سال مردم بدین نحو گردانند و از جای است و کویل به مطبوعی فرستاده و سیاست مطبوعی من صحیح است است برای اینکه مصلیات مستفاهه گفت:

نایبگه چنگ جهانگیر اخیر شش آمد این چنگ با نام معاصرت آلامی که برای نوع بشر دافعت بنامیده و اثر بزرگی در جهان بشریتو آن مصلیات را ایجاد کرد ملت ما بود، علوم گردید در اشرازمزبان و مکان دیگر آنکه حکومت بکنانوی و در او اثر نماید.

شهریروست سیاست پیش آمد و افکار دیکتاتوریت ملت بیعت ایران تاخاست نفس تازه کند و کلای وزیر خواران دوره دیکتاتوری و کلای فرمایشی و متوالی را با ماسکی بپوشد بر این خویشیها و این گروه حاضر نبودند بیسی تیبی کرسی ایلی نسبی و کالت و اثر و با متدلی ای وزارت راه گشته.

ملت ایران چنگ کرده

آیا مانده نیست و بیخ سایل سهل و ساده تسلیم را ملاحظه ما که کتیبه که هر یک در کت ایلی است که ایلی خود دیکتاتوری کرده شد - با اینکه مانده ملت امروز از راه مهاباد بطارت و بیاماری برداشت:

آنها میروایند از ایران بیچار بود و همارسلی و با نظرها و با پشتیبانیمت خطی ایران از میان روزهای آنهمه ای بیرون و معاصف و در برابر آنهمه تشکیل داد این چه و بیروست مستکتر و نویسیگر خود را با خود فروزاد ایلی اسحاق حقون خود خویش بر برادر میروایند و واقعی در ایران با این دیکتاتوریت فراتر از بیچاره گشته اند البته خواهه دادوی هتای مجلس یازدهم یکی از عمره های این کارزار خوین و آتشی ناپذیر خواهه بود.

# پیداایش همو گراسی در ایران

## از گذشته عبرت گیریه

امروز جوامع بطور اختصار بردهای از گشته ایران و چگونگی استقرار و جبران حکومت مودگراسی را برسی خوانندگان ارجمند شرح نموده تا شاید خاطره های نغم گشته عبرتی برای آتیته بود و قدری بیداری مردم و وضوماسکت نواسی کرد نلین کسکی بنماید.

میرزایزاده آزادی و دستگراسی از خطوم ستارخانها و دیابابابو و بیجا بیا بگوش ستانند جبار ایران رسیده و پایه های لغت استبداد معصه علی میرزا را که بر روی استخوانهای لاشه شده توده بدینت ایرانی باشد توده بود بشرزه در آورد دربار خودغواز ایران که بیج وجه حاضر بقول قاضیهای حقه مشروطه خواهان نبود و فرمان مظفر اله بنیاده را نادهی گرفت با سر مشتی هر چه پیشتر و با تمام وسائل و مصلیات دولتی ملت ایران به چنادر پرداخت بارمان شد و مشروطه خواهان را با جان و سختی با همه کوشش ها بدین اوضاع حاشی منقلب و مسجد ملی شاه مفلوح و اساس حکومت مملئته بریده گردید و سیستم حکومت مشروطه که خود نوعی از حکومت دستگراسی است در ایران مستقر گردید، نایبگه از ایجاب مردم به مجلس فرستاده شد و قوانین بدست آن ها و مطابق سلیقه آن ها و بر طبق مقتضیات محیط و منطق بسا ایله روزنامه های روز وضع گردید و لغت مملکتی صورت حاکم ایران مشروطه که همان مصلت حاکم ایران استبداد ولی با ماسکی موسوم به دستگراسی اکثر از کمالیسان سمر استبداد معصه علی میرزا بود نواستایا بی نفواست حتی بیکار هم این قوانین را مطابق روح خود در کشور و بیخ ملت اجرا کرد چنده سیاسی بدین مصلت گشته، اکثر این فرمانها مندر مشروطیت بدست آمد که حواس از میان رفتند و سیاست های خود میگانگ هم در بین بقیه آنها تفرقه انداختند تا آنجا که مردم مودرس بی بار و باور مانده و با نتیجه همین ها نواستند بسا خاطری آسوده نشاودند حکومت دیکتاتوری بیست ساله را در زیر اولی قانون نوبت و تمام مصلیات ملت ایران؛ از افراش مصلته ناچار به را اعلامدارند.

میرزایزاده آزادی و دستگراسی از خطوم ستارخانها و دیابابابو و بیجا بیا بگوش ستانند جبار ایران رسیده و پایه های لغت استبداد معصه علی میرزا را که بر روی استخوانهای لاشه شده توده بدینت ایرانی باشد توده بود بشرزه در آورد دربار خودغواز ایران که بیج وجه حاضر بقول قاضیهای حقه مشروطه خواهان نبود و فرمان مظفر اله بنیاده را نادهی گرفت با سر مشتی هر چه پیشتر و با تمام وسائل و مصلیات دولتی ملت ایران به چنادر پرداخت بارمان شد و مشروطه خواهان را با جان و سختی با همه کوشش ها بدین اوضاع حاشی منقلب و مسجد ملی شاه مفلوح و اساس حکومت مملئته بریده گردید و سیستم حکومت مشروطه که خود نوعی از حکومت دستگراسی است در ایران مستقر گردید، نایبگه از ایجاب مردم به مجلس فرستاده شد و قوانین بدست آن ها و مطابق سلیقه آن ها و بر طبق مقتضیات محیط و منطق بسا ایله روزنامه های روز وضع گردید و لغت مملکتی صورت حاکم ایران مشروطه که همان مصلت حاکم ایران استبداد ولی با ماسکی موسوم به دستگراسی اکثر از کمالیسان سمر استبداد معصه علی میرزا بود نواستایا بی نفواست حتی بیکار هم این قوانین را مطابق روح خود در کشور و بیخ ملت اجرا کرد چنده سیاسی بدین مصلت گشته، اکثر این فرمانها مندر مشروطیت بدست آمد که حواس از میان رفتند و سیاست های خود میگانگ هم در بین بقیه آنها تفرقه انداختند تا آنجا که مردم مودرس بی بار و باور مانده و با نتیجه همین ها نواستند بسا خاطری آسوده نشاودند حکومت دیکتاتوری بیست ساله را در زیر اولی قانون نوبت و تمام مصلیات ملت ایران؛ از افراش مصلته ناچار به را اعلامدارند.

میرزایزاده آزادی و دستگراسی از خطوم ستارخانها و دیابابابو و بیجا بیا بگوش ستانند جبار ایران رسیده و پایه های لغت استبداد معصه علی میرزا را که بر روی استخوانهای لاشه شده توده بدینت ایرانی باشد توده بود بشرزه در آورد دربار خودغواز ایران که بیج وجه حاضر بقول قاضیهای حقه مشروطه خواهان نبود و فرمان مظفر اله بنیاده را نادهی گرفت با سر مشتی هر چه پیشتر و با تمام وسائل و مصلیات دولتی ملت ایران به چنادر پرداخت بارمان شد و مشروطه خواهان را با جان و سختی با همه کوشش ها بدین اوضاع حاشی منقلب و مسجد ملی شاه مفلوح و اساس حکومت مملئته بریده گردید و سیستم حکومت مشروطه که خود نوعی از حکومت دستگراسی است در ایران مستقر گردید، نایبگه از ایجاب مردم به مجلس فرستاده شد و قوانین بدست آن ها و مطابق سلیقه آن ها و بر طبق مقتضیات محیط و منطق بسا ایله روزنامه های روز وضع گردید و لغت مملکتی صورت حاکم ایران مشروطه که همان مصلت حاکم ایران استبداد ولی با ماسکی موسوم به دستگراسی اکثر از کمالیسان سمر استبداد معصه علی میرزا بود نواستایا بی نفواست حتی بیکار هم این قوانین را مطابق روح خود در کشور و بیخ ملت اجرا کرد چنده سیاسی بدین مصلت گشته، اکثر این فرمانها مندر مشروطیت بدست آمد که حواس از میان رفتند و سیاست های خود میگانگ هم در بین بقیه آنها تفرقه انداختند تا آنجا که مردم مودرس بی بار و باور مانده و با نتیجه همین ها نواستند بسا خاطری آسوده نشاودند حکومت دیکتاتوری بیست ساله را در زیر اولی قانون نوبت و تمام مصلیات ملت ایران؛ از افراش مصلته ناچار به را اعلامدارند.



# کرد و کردستان

شهر اردلان

- ۶۸ -

خاطر ملوکانه از بیانات شرف الله مشرف هده فوراً بهروز باصفهان حصر اعظم امر بمیده که شرفالبتک را و همراه و برده هرچه لازم بود بادهد و ششم و فرمانده حکومت کردستان را هم برای آنکه مورد روز و اولا حرکت بدهد صدر اعظم با شرفالبتک از دربار برکنه ازلنگرانا اوالفتح مهربای موبدالولوه را احضار و حکومت شرف الله را با هائی ایلایع بنامهائی سپس میرزا حسن خان منشی باقی را هم دستور بمیده که فرمان حکومت کردستان و سرینبی فوج ظفر آرمینا بنام شرف الله صادر و تا نظری شرف الله را در مقام شرف الله بمانده پس از این پیش آمد غیر منتظرانه شدی خود را بابت تلنگرانها کسی را در مقام دلجویی از مخالفین سر بسختند تلنگراف ملوک و اجمان و اشراف شرف الله بمیکند و خصوصاً در تلنگراف مهربا بوسه مشیر دیوان می نویسد

یا که نوبت صلح است و دوستی و هایت بشرف آنکه تلگویم از گذشته حکایت هیتکه تلنگراف صدر اعظم بودید الدوله و تلنگران شرف الله با هائی و مشیر دیوان میره مشیر دیوان مرگ را در برابر چشم بدید جسم دیده و تکا پومی افته و تا پناه لعل هیرادو ظرف نگشایه ریزه با خود متفق ساخته هرا تلنگرانی موبد و از حکومت شرف الله کنشای و دستگیری بنامیده موبد الدوله که بر حسب امر تلنگرانی باید حرکت کرد خروجه و نیبه وسایل حرکت مینماید ایته اتانی زیادتی و ترفیحات و مرایجات داشته جمع کرده میبواهد که بازار بمرسته که فروش رسانته مشیر دیوان این خبر را شنیده فوراً بیامش می دهنه که این حرکت اهالی شرف الله و کلی مایوس مینماید.

پس وچه اتانی و خبرها و مرما و با بازار غرسته مللا ما در تلنگراف خان و مشیر اکر موافق بنجده حکومت او و تغییر شرف الله شده همه آنها برای خودش لازم بوده اگر موافق نشدم هرچه نسبت آیهات و دو مقابل تقدیر میکنم.

پس از معاشره تلنگراف اهالی هضم میرزا بوسه خان صدر اعظم به تلنگرانها نمیباید اول متعینین تلنگراف خانه داد نمیدیدیم بگریه که در این موضع دولت شرف الله است و را برای تلغ وضع شیخ عبیدالله ابوعامر و نامور فرموده ضمن هادرتلنگراف خانه می موبد بلکه مستلزم هیرادو ظفر ملوکاته خواهد شد هرچه زودتر مقرر شده بناتزل خود مراجعت نماید . فرات این تلنگراف با اتانی فرشتن

## له باخی سولیت

### ظاهر

ظاهر بک کوری عثمان باشای جافه . له سالی ۱۳۹۵ هجری له هلبجه تهوه لوی بووه . تحصیلاتی ظاهر بک زودله بو وه اما خدا ذوقی شعروئی گینتینکی چاکمی بی داوه . له دوری حکومتی شمایند اقامته مقام هلبجه بووه و له سالی ۱۳۴۷ له سلیمان وفاتی کرده که نازه کیان هیناوه له وه بوسیله که یکی بووه له اصحاب وه له ژور هلبجه وه زیژاوه . ظاهر بگیشیان له وی به خاک سپار دوه

دیوانی ظاهر بک له سالی ۱۳۵۷ له چاپخانه ی جزیره چاپ کرده .  
 له ده یکی له غزله کانی ظاهره .  
 ظاهر بیکه پس نشان باشای جاف بووه که در سال ۱۲۹۵ هجری در حلبیه بنده هده است . تحصیلت ظاهر بیکه دربه العاده بود اما ذوق ادبی و فرات سرکاری شناخته در نپاد و له دوره گذاشته . در زمان حکومت سلطان شای حا که حلبیه بووه در سال ۱۳۳۷ در سلیمانیه وفات یافته است و جنازه او در حبایله در نزدیکی حلبیه به خاک سپرده شده .  
 دیوان ظاهر بیکه در سال ۱۳۵۲ در چاپخانه جزیره چاپ شده و ابتکله یکی از فحول مای او

فدای رخسار آتیم ده له خورشید تا باه  
 بلا گردان بالوت بیم دلی شهادی بیانه  
 له سالی تبع اتری له روزی مقرر اجمان  
 بدعادت سالی سن له گل جسی شهبانه  
 ده زانی بوچی مسرور اهداری کردی دایر  
 وتی حاضر به و کشتن سینی جلای غوربا  
 له آتم کر دستن آسان با شور بکن امشو  
 آبخان به باقرم له سردی فصلی زستانه  
 له ذوقی عارضی بوچی وتی با ریح سپهریکه  
 له لایک ضلعتی کرکه له لایک نوری اجمان  
 ده باقوری ملنگ دل به ناراهمی نامم  
 هنا قنا مشتی ضلعت له ویدا مشی خطاه  
 به دوس بادی میا چورنگه پھیراواظی ذلقت  
 متی چاره میا بویمه هضم غلو بریتشانه  
 نه کن تیاری زخمی جرگی «ظاهر به ای طیب آخر  
 برانی تاله خرا او هبیدی تیری مژگانه  
 ارسالی آفای صده پاکرانه است

بنتول مراجعت مینماید .  
 پس بیست روز از این قضیه بر حسب نشان شاهزاده موبدالولوه امر هامیونی صادر میشوه که شرفالبتک و گمشای از تهران خارج بشه برناما بریزد و در آنجا سکونت نمایند شرف الله ناچار پناهنده بپوره خانه نواب علی ایسالدوله حرم شهریار شده در حضور بوده صیاحیه موبدالولوه و این تخمین با او شرک میکنه پس از مدت ۲۸ روز ایش الدوله دستخط هابیزم . روز شکر میکنه که شرف الله در تهران بنامه مومام او تسویدت چهار ماه از این ماجرا میگردد صده وحیم خان طاعالدوله در شروبع الثانی ۱۲۹۸ بحکومت کردستان و لاف امیر نظامی منقض میشوه .  
 مشارالیه بواسطه سوابق آشنائی شرفالبتک را نیز همراه خود می برد پس از رسیدن به اردبیل میکنه معادفات ایام بر حسب اراده مملوکاته جنود اشراف شاهزاده صده میرزا علی ظلی الدوله شده ایلوافتح میرزا موبدالولوه منزلت و حکومت کردستان و گزینان اطراف لظالطسطن بوسه خودشان ناصر الدوله قرا گوزلوی هدائی واگذار میشوه .

هو-تو مویستی و من پیش و  
 او بر من اشارتینماید و  
 اگر این همه را نکتت میا این سراجیکه ما با شرف الله داریم از کجا مودادست که در ورود بکردستان اول مارا مسبب این تنه معرفی نکنه و این مال و موشی من و شواو تیا مینوازه و زادت و با عرض خضر نینمازه من امروز بوسیله این تلنگراف گلک شرف الله رامیکنم و خود را در شو مغلطی می داند فردا اگر شیخ عبیدالله اقتداری پیدا کرد و کردستان را تصرف میکنه دولت ایران دسترس بر من ندارد و اگر خودش او خاموش ده میکنه در نتیجه صل من افادات او خشی کردید میرزا عبدالغفار در مقابل این استقلال ساکت مانده متلنگراف مذکور مشایر میشود صدر اعظم فوراً تلنگراف مشیر دیوان را حضور خا برده تقدیر مینوازه میرزا عبیدالوهاب خان آصف الدوله که در حضور بوده صیاحیه موبدالولوه و حفاظت علی صاهالطسطن ( که در سفر حجاز بود است ) عرض میکنه با شرف الله نامه مشیر دیوان کرده دیگر فرشتان شرف الله صلاح نسبت بکنه خضر ادرارده در این هنگام صد شرفالبتک بدربار اظهار شده که خلعت حکومت راپوشیده حرکت نماید پس از برین مذاکرات شاه بفرموده ایلوا فتح میگردد شرفالبتک ابرلاغ شاه رفتن او در این موقع بسا این اوضاع که صدوم اهالی کردستان بکنگرا افغانه و بکنه از حکومت و حکایت میکنت بیچیه مقتضی نیست میکنم کلاردیگری برای او نگر کنه تمام الدوله که از دربار بیرون نماید در دو دروازه اساسیه به شرفالبتک برسته و فرسایش ملوکاته و ایلوا فتح مینماید شرفالبتک در جای خود خشکبند با حالت افسردم روزمده

### اخبار سطر

- ۱- در دیرستان شامبور سطر ناشی «طیب اجساری» بنام دانش آموزان بی ضاعت داده شد که دوران هدایک از مستخرمن محل حضور بیسم رسانیده .
- ۲- برای تعمیر کارخانه رن سطر که مدت است از کار افتاده اندامانی بسل آمده و بخشی از اتانی آن برآی مرمت بهران فرستاده شده است .
- ۳- آفای سرتکه غلاری فرماندار نظامی سطر نسبت باطلان شهربانی بخصوص ابراز بدارد که مورد وضایت و استناده ردم است .
- ۴- سروران دلاوری در دیوار هم رعایات بدیندی سطر کرده از دشمن شنای بازی که به وضع آمد و رفت است هندی به کنده از اجب آباد بسلی عنوان توجه فرمانده سطر لشکر با پسین خبر جلب میگردد
- ۵- مقدری ایار دار بخش و شرفتمامور کنترلی ابار از شرف شهریان توفیق شده اند .
- ۶- پس هفتماه صدیدالوشتی هاشی از ماشین شماره ۲۷۰۲ دولتی زیر گرفته تلغ نمود .





مشول کیست ؟

بچه از معلم ۱  
آمد مینگد مغالی بیستم و اطلاعاتی  
بدست میآورد امروز از اجازه شایسته  
ای از میوه میوه اطلاعات را برای  
خوانندگان نامه شریفه کوهستان مورد  
بفرستار میدهد تا اگر کشامه موافق بدیده  
آمر بدوچ فرماید.

سنتاخ امروز و سنتاخ

چند سال پیش  
میکردم سنتاخ ۱ زیرا حیث است  
نام کردستان را با شرح اوضاع سنتاخ  
خراب کرده مافخر کردستان را با آنکه  
دار نمایم و من سنتاخ که من امروز  
عجالت دارم از اینکه بحث نام کردستان  
شرح کنم در ایام گذشته شهر خوب  
مرکز تجارت، مسکن مردمان جوانبرد  
وجایع با احساسات مهربان نواز و پیام  
منا مردم بوده که متأسفانه امروز جز  
آزاری که در شرحنا میآید است چیزی از  
آن نمانده است، من در اینجا از  
ظاهر شهر، از غریبههای آن آداب کثافت  
از طب مادیکی و غیره و غیره بحث می  
کنم زیرا نام این اوضاع را از ایام قدیم  
و قبل مسالکین آن میآید، اگر مردمان  
عقل انگیزی میباشند غیر از آنکه اسلحه  
فلسفی آن نظام شهر هم بصورتی میبود  
غیر از صورت معلومی.

اگر مردم به دین و ایمان ماسته  
قدیم ملائمت می بودند مساجد آجاسر  
صورتی میباشند و موقوفات لوطی  
خواری می شد. اگر مردم به تشنه جدید  
ملائمت می بودند الامتای جدید  
در این شهر رونق میگیرد.  
اگر مردم قدری پابند تکیه داری  
منابع قدیمه بودند الامتای نالی باقی  
آن آرمیان نیرفت.  
اگر مردم بطرف جدید میرفتند  
انلاهی میورتر ساختن با زیا تر  
و شرایط زنده گانی مساعرت میشد.  
اگر مردم به قدری دارای سخاوت  
می بودند نایفه لقیرو در ماهه شهر بدو  
بیکر.

اگر مردم قدری حس و تشنه می  
داشته بازار و تجارت را مقلش مییاد  
از خدا خرس دو دست نیکتر میشد  
هر چه زندگی حال غنی میبود و ...  
مهران اگر دیگر  
بسی با این کارها که ما بدست  
مشول خراسان اوضاع این شهر را که  
مرکز شهر سنتاخ است و روزی این  
شهرستان کردستان نام داشته است  
داشت.

سنتاخ و روز و روز و به تنگ است  
و با آن نام کردستان کوچک میبود،  
عدم لیات اداره سنتاخ است که سفر  
ویا به راس شهرستان از آن جدایی  
کستنی و رونق سنتاخ است که میآید  
مترقی نام کردستان را بر خود میگردد  
و سنتاخ از بردن نام کردستان  
دارد.

من در نتیجه تحقیقات خود با این  
اصل رسیدم که مردم سنتاخ همه یک  
نژاد میباشند و مشول این بدین است  
نیزند. مشولیت هر فرد را باید متعنا  
با استعداد و استطاعت او دانست

باید متعنا دانستگاه توجه فرمائید

با جدیت مخصوصی چه در تهران چه در گردستان ملائمتان  
به پیشرفت امور فرهنگ میگویند که از طرفی مردم را تشویق  
به توجه به فرهنگ نموده و از طرفی هم کارستانان فرهنگ را ترتیب  
بدهد و خدمت نمایند.

یکی از مشکلاتی که امروز کردستان با آن دست و پیکریان است  
کسی بهر میباشند وزارت فرهنگ هم با من نیستی که دارم موقوف  
شود کار و دیرین کردستان را تشکیل نماید تا همایمان است که دانشجویان  
دانستگاه که در شب مختلفه مشغول تحصیل هستند تشویق گردد که پس از  
خاتمه تحصیل تمامای خود را برای کردستان بفرستند و در آنجا مشغول  
خدمت گردند.

فلا در شب مختلفه دانشسرای عالی چند نفر دانشجوی کرد  
بیش نداریم که متأسفانه نیز از یکی دو نفر که نسبت دانشسرا را  
تعیین میکنند دیگران در شب آزاد نام نویسی و تحصیل میکنند  
در نتیجه نسبت به خدمت مقرران این جوانان پر شور حاضر شده اند  
که از شب آزاد دست کشیده تحصیل نمودند و در شب دانشسرا  
ادامه دهند تا سالانه ششده میباشند که با این تغییر شبهه دانشسرای  
موقوف نام داده شود تا همایمان است که دانشجویان پر فرهنگ است و  
توسعه فرهنگ هم با افزایش و دیرین است از ریاست معظم دانستگاه  
انظار داریم نه تنها این اشکال را رفع نموده بلکه در تشویق  
دانشجویان کرد که نسبت به دانشسرا با فرهنگ کردستان کمک  
نموده ما را رهین تشکر نمایند.

تقاضای پزشکیاران استان هفتم

مقام معظم جناب اشرف

آقای لخت وزیر

محترما عرض میسراند. باتوجه  
به قانون مصوبه ۱۴۰۱ پزشکان هفتم  
۳۳۹۹ خدمتگزار ۱۸۵ / ۱۰۰۰ و  
پزشکیاری را به پیش پایه محدود و  
تأمین هر پایه با پایه بالاتر شمال تبیین  
نموده از طرفی تاکنون استقامت کشوری  
خدمت اداری را تا پایه نه منین واصله  
از تفرغ را به پایه بالا دو سال تبیین  
مقرر داشته و در صورتیکه خدمت پزشکیاری  
با در نظر گرفتن جنبه فنی و عقلی قدس  
بایستی پاداش این خدمت با تسع خدمات  
اداری و صحای داشته باشد زیرا خدمات  
موزر مخصوص افراد این طبقه که تساع نزدیک  
و با میکروبیهای خطیر فله کاری و جابجایی  
در راه انجام وظیفه و رسم کار داشتن  
با پیمان بیای و دیگر کار (داسی) و  
پایان گیری دائم و مسافرت در دهات  
و طبایقه کثیر با نامورین در دهات  
با آن سامان برسد داشته و هزاران نوع  
خدمات طایف نرسای دیگر که تا تبیین  
میداشت حقوقی امرداد کور و ایست  
باست دارا بوده است با احتیاج مزایای  
خدمت اداری بر خدمت پزشکیاری جز  
بهم توجه اولیای امردولت در مومق  
تعیین این قانون که منجر به پایمال  
شدن حقوق حقه و قانونی میگردد خدمت  
گداری میل کشور است تبیینی نیست توان  
نمود و هر مقام ولایت را با منضم توجیه  
این داد خواست و ظلم فاشی که به  
طبقه پزشکیاریان شده گروای خواهد  
نمود

بنا بر این تفاوت حقوق این است  
که مشول و تبیین غیره نه ولی من  
میخواهم این مشولیت را تقسیم همه  
بین دودست فوق الذکر پاداش زیرا  
اگر سستی و رفعت مانع از دست نکار  
پردن اولیاست مانع سستی و رفعت هم  
در دست مستعدین موجود است که  
توانستند ایروجه تا دیگر ملاحظه ای  
در انگار که دست نیکار رشته کرده  
فکر قدسی آنها را تبیین داده نمیشد  
بسیو تعهد راهشالی کنند.

از این جهت است که من مشول  
نام بدینهای های شهرستان سنتاخ را  
تا بد دست میآید و امیدوارم  
از این مغالی که امروز برای دروچ  
در نامه شریفه کوهستان نوشته ام که  
تیب سرمایه در راجیده در از تیب  
مخالف خود بنادارند و تیب شهروشنکر  
بر حامی سرمایه دار بخوشد بلکه هر  
دو دست خوب فکر کنند، صلاح خود  
و جامعه را در نظر بگیرند و تصمیم خود  
بگیرند که از تیری دیگری استفاده  
نموده پردازند دست بدست هم بدهند  
دستهای یوازی با کار اندازد و دست دیگر  
با بروی نگرند و استمداد کنند که  
و این برده میباشند کهن و نظری بدین  
پاداشده است از این کردستان را  
پاداشت عالی تقسیم خوانندگان عزیز  
کوهستان خواهد نمود.

برای آگاهی کابینت اگر این  
نوشته نایل دروچ بود گاهی از اینکار  
پیشنهاد خود نکاتی جمع آوری کرده  
پاداشت عالی تقسیم خوانندگان عزیز  
کوهستان خواهد نمود.

شله سوخا دشارا نام کرده

بطوریکه از کردستان اطلاع می  
رسد اداره فله هوارسی را که برای  
تجشایو تبیین ششده دستور اداری آن  
در آن محل صادر گردیده مشغول است و  
برابر تاریخ ۱۴۰۱ ربال از کردستان بگذرد  
کسان نپرونده اشیا باقی بزرگی  
بناشد شاید خواست قدری فوری شود  
و با تبیین ولایت و اجتناب غیر و غیره  
بگویم که اگر خیال پیشهاد وضع هوارسی  
دارند اشکالی ندارد بر تبیین دروچ  
تفاوت میکنند ما هم میکشیم مردم هم  
قدری راضی میشوند.

حالی نیدانیم با این فوری اداره  
فله دیگر پیشهاد و هوارسی خواهد نمود  
رسد با هشتاد در اولو ممل آن پایه

بنا بر این از اولیای امور دولت  
مقصودا جبارشرف آفای نسبت فزونی  
که هم خود را در رفاه و آسایش خود هم  
اهالی صرف میآید معارضه با در پیوسته  
زودتر برای اصلاح قانون در خدمات  
پزشکیاری انجام و چنانچه مزایای برای  
خدمات پزشکیاری در خدمات اداری  
فائل نیتوانند حد الا این خدمات را  
خدمات اداری برابر داشته باشد پایه  
بماری که تا پایه شش معهود است تا  
پایه نه ترقی و ماند خدمات اداری فاصله  
ترمیم هر پایه در دو سال تبیین و تصویب  
فرمائند که معیاد دلگرمی این طبقه  
رسمتین فراهم و با آوردگی خیال  
انجام امور معرله مشغول باشند  
از طرف کبیه پزشکیاران  
دانشسرای استان هفتم صدر این کشمیری

# کوهستان

چشم آقای محمد امین هوشمند

گلدار ماه پایان عشق خواهد بود  
کیا است مرد که با سمرساز دارد (۱)

از سفر

## سر دوراهی

از سعادت تا پدبختی یکقدم است . . . .

فرار از کتک‌رسانی اربکانه هلاکت‌شخصیت بود کلاه بریده بود این کتک؛ گنجه بودت نمانده مجلس است؛ شاه سری تکان داده ورفته بود. در دوره که شاه یارنده گان سرکار گذاشت هنوز آقای نایب‌دما را ندیده و نشناخته بود !!

مردم سخر که باید مدت دیگر نمانده خفگی خود را تنبیه کرده‌اند برای احقاق حق خود صحن پازلان برپیش باید از هم اکنون هوشیار و پیروز باشی، باید یگانگی خفگی بین و بدون افراش و مقدمه خفگی نمانده خفگی خود را انتخاب کنی.

با تعیینی که شخص نسبت وزیر از عدم نفوذ افشامی دروازه‌تایب کرده دیگر جای هیچگونه شبهه و تردید نیست نمانده که بتواند در صحن پازلان مدافع باشد. نماند که چه جاهدت خواهد بود و زاریت داشته باشد، نمانده که سراب محرومیت ما را از علو خدایچه‌ی روانی بسنج مصدبان امور رسانیده و اجزای نظارت اصلاح طلبانه خود را جدا از پیشگاه دولت بخواهد. نمانده خفگی دارد، حالا هر که هبانت و جرات دارد هر که بنده می‌تواند از افراش خفگی بر سر خود بردارد تحت نفوذ دیگران قرار گیرد؛

**هر کس می تواند نوازش کلی ما را از پدبختی؛ هر کس که شهادت می دهد روحی؛ و کلیه محرومیتها و ناکامیهای ما را تجریم و اصلاح کند قدم پیش گذاردن تا ما با ندان آراء کامل کس زنان طهران بدرقه کنیم . . . .**

کیفر کسبیکه بخواهد بدون توجه به تأیلات عمومی موانع است. نمانده می‌شود علاوه بر خفگی و محرومیت پشیمانی و سرکشگی و اذیت است. آقایان کاتب‌دما! درست راه را تنهیب دهید اگر مدافع و خدمتگزار ما خواهید بود در راه قدم پیش نهد. وای بجان کسبیکه دانسته قدمدور ایزراه نهد و در سر راهی، راهی که ساخته نماند افکار عمومی و راهی که با سناخت و باطن و وعده بیگانگان است؛ دچار غیبت و اذیتا، غرور.

آب روان بیکسکه داغی - ۲۰۰۰ ریل  
تک‌گرفی داغی ۴ ریل  
خارجه ۲۵۰ ریل  
خارجه ۵ ریل  
جای اداره خیابان فردوسی رو بروی بانک ملی تلفن ۱۲۵۷

### بهرترین است جناب آقای وزیر دادگستری تو چه فرمائید

هفته پیش منظر تفکری در خصوص برکنار نمودن آقای مشیری و وزارت دادگستری دادم و اظهار داشتم که این عمل روشن‌نگران کرد مقیم تهران را منکر بوده و از وزارت دادگستری تقاضا نمودم نسبت باین موضوع تجدید نظر فرموده و بلاطه بر کناری ایشان را روشن روشن افکار عمومی اعلام فرمائید. تا این ساعت از وزارت دادگستری اطلاعی رسیده و ولی در این دقایق که صحن روزنامه هفته شمس خراسانی هفتاد و یک روز روشن‌نگران و مسترین کرد مقیم تهران واصل شده که از اقدام بر کناری اظهار تأسف توأم با گنجه بوده و از جناب اشرف آقای نسبت وزیر و جناب آتشی وزیر دادگستری خواسته است که باین موضوع توجه فرمائید با کمال تأسف از اینکه در واصل شدن این نامه با اجازه نداد که عین آن را در بیان شاره‌ها چاپ کنیم لازم بود این توجیه جناب آقای وزیر دادگستری را مجدداً چاپ نموده و انتظار داریم تا هفته آینده تکلیف این کار روشن گردد بر رؤسای شرفنگران کرد مقیم جلد این موضوع را تغلیب نمایند.

### بست و تلگراف در

#### مروان دلورده

گزارش تک‌گرافی مایندگی نامه کوهستان از مروان حاکی است که پلاختران پس از مدت‌ها انتظار بست و تلگراف مروان را بر و شروع بکنار بود.

اگر برف و باران و آسند راه بگذارد کم کم مروان با سایر رفیق کثرت‌مویب شهروان اهل صومعه از ارواح عمومی دیوان مستعصر خواهد شد.

با دار شدن بست و تلگراف مردم کم کم خواهند نواست عکایان خود را بسنج امرونی امور رسانیده، نسبت بشلغم و خندک سرک و اهل بی رویه ما مورین بکوشند نماند اجزای نماند ولی یک چیز را باید پیش بینی نمود و آن اینست که به گرانده‌بختی هفتد که در چاهای خود و افراش و عین حالی مانده مروان و امثال آن که لا قطع دارای کار و امرای و امثال مقامات اغلب رئیس بست و تلگراف تحت تأثیر گزاران تکرار ملایق از اینجکه تلگراف رئیس‌را حاضرتی بدهد و باین تلگراف را مضایق کند مطلب آرا بسا برای خوش آرزوی خیرت برافراش و بنا از قریب پایش ساری از قریب می‌رساند و باین ترتیب امثال وزیر دستگام تلگراف خانه وجود نواست داشت و با شتاب و مسافرت امثال آن با کت‌های مرد در بازار و مصلحت‌مویب.

بالوحامی که در مروان مکتوما است هیچ چه بست از عکای بتوان حکومت نظامی با کت‌های مرمره با باز کتت و خیری برای مردم هم مراست‌حالی فراهم نمایند.

اینجا از لحاظ پیش‌بینی است که مردم دچار زحمت نشود و الا چون‌ها هنوز نماند مسئول بست و تلگراف مروان کسبیکه بنواست بگویم که اگر احوال چنین چیزی اتفاق افتاده ولی منتظر تک آرزایمان دانستیم که از لا مسئولیت و تلگراف آتشی‌توجه باشد که ما هم منتهییم و البته اقدامی ننمود که بر

### جناب آقای وزیر بهداشتی تو چه فرمائید

بمطوریکه خواننده گان اطلاع‌دارانه از چندین پیش راجع به رفع نوازش بیماری‌های اطفالی شروع شد و چندین قبل وزارت بهداشتی در نتیجه جواب هفت‌بخت‌های آقای دکتر عبدالصین اولاد بدستگام کامل و اجزای کوهستان ارسال داشت.

ما ضمن اعلام این خبر لازم بود اعلام از حسن نیت و توجه وزارت بهداشتی از نظر مسئولان خود مویب تقاضای اهل نظر آقای وزیر بهداشتی را که در حدود توانایی هستی نسبت بکوهستان توجه داشته‌اند با تزوم اعلام به جراح آزموه جلب و بست اداره بهداشتی کوهستان هم یاد آوری نماند که این اکتیفا که با زحمت زیاد تهیه و ارسال هفتد تا باید تا موفقی که جراح کوهستان اعلام شده مورد استفاده قرار گیرد زیرا داروهای سابق بان‌های کوهستان تاکنون خود جاکداشته‌اند که هیچکس نماند نسبت نظیر آرا در مورد این اکتیفا هم مشاهده نماید.

و همچنین لازم است توجه وزارت بهداشتی را به نقل و اتصالات و خانه خدمت‌های اخیر بهداشتی کوهستان جلب و موصوعا برای این انتقال برکنار برویجی را یاد آوری کنیم شپ‌تایب‌سایب رضاتی که در مبارزه با ملاریا تحت دستور آقای دکتر گول‌مجلس شده‌اند که به هفتد دیگر منتقل گردانند است و همچنین آله کوب‌شربی بدون دیوان کار بکنار شده‌اند البته اشکوه‌ها اطفال سواست‌بشیده موجب دل‌سردی کارمندان بشود.

ما توجه وزارت بهداشتی را باین دو موضوع جلب و انتظار بداریم

و سعادی مردم بکنار گردود و دستای فرماده برای پاک کردن همه مراب باشد یک وقت شیطانی سوسه بکنند و ایشان را بفکر بازدید کسب‌های مردم بجا ندهد زیرا بکاز ده کافه و سانسور پاکت هم جلوه‌گیا بکوهستان مردم را تقواها گرفت.